

## درآمدی بر مولفه‌های تربیت تمدن‌ساز در منظومه فکری مقام معظم رهبری

امید گندمی

سطح ۴، فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران. omga7333@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مولفه‌های تربیت تمدن‌ساز در منظومه فکری مقام معظم رهبری بود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که براساس بیانات مقام معظم رهبری، انسان تمدن‌ساز می‌خواهد یک حرکت و یک انقلاب عظیم ایجاد کند، بنابراین، نباید کم همت باشد، بلکه باید همت بلند داشته باشد تا بتواند تحول شگرف و حرکت رو به جلو به سمت تمدن عظیم اسلامی ایجاد کند. اگر انسانی به آرمان‌های والای انقلابی خود پایبند نباشد، هرچند همت بالایی داشته باشد، نمی‌تواند در مسیر صحیح حرکت کند و انحراف از مسیر برای او متعین است. بدین صورت که در اول مسیر ممکن است ارزش‌های والای انسانی و اسلامی برای او ارزش باشد، لکن به علت عدم پایبندی به آرمان‌ها ممکن است دیگر اینچنین نباشد و اهل باندبازی شود. در اول مسیر عاشق شهادت، لکن بعداً عاشق مادیات شود. انسان تمدن‌ساز اگر بلند همت و پایبند به آرمان‌ها باشد، لکن بصیرت نداشته باشد، احتمال خیلی بالایی دارد که در مسیری که حرکت می‌کند، فریب دشمن را بخورد، دوست و دشمن را اشتباه بگیرد، دستگاه محاسباتی او تغییر کند و راست و دروغ را قاطی کند.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن، تربیت، همت، بصیرت، آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب.

## ۱. مقدمه

تمدن‌سازی یک جریان ساختارمند و پیچیده است که عوامل بسیار زیادی در آن اعم از پشتوانه‌های دنیایی و ماورایی دخیل هستند. لکن، نکته بسیار حائز اهمیت این است که تمدن چگونه محقق می‌شود؟ توضیح آنکه، تمدن یک محدوده بسیار وسیعی دارد که در آن هست‌ها و نیست‌ها و بایدها و نبایدها، اهداف، فرهنگ و موارد دیگری وجود دارد که باید آحاد یک جامعه آنها را با پوست و خون و گوشت خود لمس و باور داشته باشند، که آن حرکت به یک تمدن بیانجامد. در راستای همین بحث، امام خمینی می‌فرماید: «در نگاه تمدنی است که شرایط برای نهادینه کردن اجتماعی یک فکر، آن هم در گستره‌ای وسیع ممکن می‌شود. همچنین تمدن‌شناسی نیز در جهت تمدن‌سازی است و هم در جهت خروج از سلطه تمدن دیگر».

انقلاب اسلامی ایران که حاصل خروش مردمی با رهبری امام خمینی در سال ۵۷ شکل گرفت، تا به الان گام‌های مهمی برای رسیدن به تمدن اسلامی به جلو رفته است. در همین مورد مقام معظم رهبری می‌فرماید: «انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله اول انقلاب بود، یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله اول انقلاب بود. بعد در مرحله دوم، این نظام بایستی ارزش‌ها را محقق کند؛ ... به این ارزش‌ها اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی. بنابراین، مرحله بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بُن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله اجرائیات درست - قانون درست، اجرای درست - این آرمان‌ها و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی‌یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه می‌شود جامعه‌ی انقلابی؛ یک جامعه انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه انقلابی؛ این چهارم [است]. بعد که جامعه انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به انقلابی کردم؛ به جای کلمه انقلابی می‌توانید کلمه اسلامی بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مراحل است که وجود دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷).

نکته دیگری که مقام معظم رهبری اشاره می‌کند، این است که مولفه‌هایی که به صورت اساسی در ساخت این تمدن اسلامی دخیل می‌باشند، دو مولفه هستند: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان» (مقام معظم رهبری،

۱۳۷۹/۷/۱۴). با تأملی کوتاه می‌توان دریافت که روح تمدن اسلامی به انسان‌هایش وابسته است؛ بدین صورت که عنصر اساسی اول یعنی تولید فکر، وابسته به متفکر است که متفکرین اسلامی تربیت شوند، همچون شهید مطهری و علامه طباطبایی که همیشه با فکر نو و اندیشه بدیع، بُعد معرفتی و امثال شهید فخری‌زاده و شهید شهریار در بُعد دانش فیزیک و امثال کاظمی آشتیانی در علم ژنتیک و... ظاهراً بازگشت و توقف عنصر اساسی اول که تولید فکر هست، به عنصر دوم که پرورش انسان می‌باشد، محسوس است؛ لکن تفاوتی که دارند، پرورش انسان عام است و هر نوع انسانی را دربرمی‌گیرد، ولی انسانی که فکر نو و بدیع دارد و تولید فکر می‌کند، نخبه است و پرورش و تربیت خاصی را طی نموده است.

در رابطه با تربیت و تاثیر آن در تحقق تمدن اسلامی، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟... راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم، اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) «أَعِرَالله جُمُوعَتَكَ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).

در مقاطع گوناگون، تاکید مقام معظم رهبری بر این نکته بوده است که انقلاب ماندنی است و باید باقی بماند. برای رسیدن به مراحل که رهبری برای انقلاب تصویر نموده است، نیاز مبرم به پرورش انسان‌های تمدن‌ساز است، بدین صورت که باید تربیت جدیدی شکل بگیرد که با تربیت مرسوم انسان‌ها متفاوت است و آن تربیت تمدنی است. انسان‌هایی باید تربیت شوند که موتور پیشران انقلاب به سمت تمدن نوین اسلامی باشند، که به تعبیر قرآن «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»<sup>۱</sup> از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند. حرکت‌های انقلابی که این موتورهای پیشران انقلاب اسلامی ایران انجام می‌دهند، زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت حجت (عج) را فراهم می‌کند.

در این راستا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به اهمیت تربیت تمدن‌ساز، مولفه‌های تربیت تمدن‌ساز در منظومه فکری مقام معظم رهبری کدامند؟ پژوهش حاضر به روش تحلیل و توصیف

انجام شده و درصدد کشف ملاک و مولفه‌های تربیت تمدنی در نگاه مقام معظم رهبری است.

## ۲. پیشینه تحقیق

غلامی و سعیدی شاهرودی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و تعیین ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های گفتمان انقلابی‌گری از دیدگاه امامین انقلاب»، به سه بُعد و دوازده مولفه دست یافتند که عبارتند از: بعد بینشی، گفتاری و بعد رفتاری.

سبحانی‌نژاد، نجفی و نورآبادی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی پیرامون برنامه درسی تربیت سیاسی در سند تحول بنیادین، تعالی را وضعیتی برای صعود و بالا رفتن دانسته‌اند که برای آن پنج بعد اعتقادی، اخلاقی، شخصی، اجتماعی و سیاسی تصویر متصور است.

محمدی پویا و ترکاشوند (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافته‌اند که معنویت، علم‌گرایی، اخلاق، و عقلانیت مولفه‌های تربیتی هستند که زمینه‌ساز تمدن در نگاه مقام معظم رهبری می‌باشند.

نواوری پژوهش حاضر در این است که مولفه‌های تربیت تمدن‌ساز از نگاه مقام معظم رهبری را با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بحث قرار داده است.

## ۳. مفاهیم پژوهش

### ۳-۱. تربیت

اصمعی معتقد است ربوت فی بنی فلان یعنی در فلان طائفه، نشو و نما کردم. جوهری می‌نویسد: به معنای رَیْبَةُ تَرْبِیَةِ أَى غَذَوْتُهْ یعنی نشو و نمایش دادم (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۵).

راغب اصفهانی معتقد است که تربیت یعنی نشو و نمای چیزی به صورت مرحله به مرحله، تا به حد تمام برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶). به نظر می‌رسد راغب در معنای تربیت دقت بالایی داشته و تدریجی بودن تربیت را در معنای لغوی آن لحاظ نموده است.

شهید مطهری معتقد است که: «تربیت یعنی پرورش دادن استعدادها و واقعی انسان. اگر او دارای استعداد عقلانی و فکری است و در مسائل چون و چرا دارد، باید آن را پرورش داد، نه اینکه این استعدادها را در او [ناپود کرد]. اگر در او عاطفه انسانی (مثل رحم) وجود دارد، باید آن را پرورش داد» (مطهری، بی‌تا، ص ۶).

تربیت، شکوفا نمودن استعدادهای آدمی با ایجاد زمینه مناسب در جهتی مطلوب است. در واقع تربیت عبارت است از به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی و قوای نهفته در وجود انسان. در اسلام

تربیت علاوه بر رشد و نمو و پرورش دادن به هدایت و به طریق مستقیم، تزکیه نفس و پیراستن آن از آلودگی‌ها است که گاه با اخلاق مترادف می‌گردد (احمدی، ۱۳۶۸).

استاد مطهری در باب تفاوت تربیت با صنعت معتقد است که: «تربیت با صنعت این تفاوت را دارد که در صنعت، حساب، حساب ساختن است؛ یعنی انسان منظوری را ابتدا دارد، بعد، از یک سلسله مواد و اشیاء برای منظور خود استفاده می‌کند، در حالی که به خود این ماده توجه ندارد که با این کاری که روی آن انجام می‌دهد، آن را کامل می‌کند یا ناقص؛ ماده می‌خواهد کامل شود یا ناقص [برای او فرقی نمی‌کند]؛ منظور من باید حاصل شود. یک نجار و یا یک معمار و بنا که عملش یک نوع ساختن است، هدفش باید تأمین شود، او به این کاری ندارد که این مقدار چوب و آهن و سیمان و امثال اینها را در ذات و طبیعت خودشان پرورش می‌دهد و آنها را تکمیل می‌کند و یا آنها را ناقص می‌کند؛ بلکه اساساً گاهی لازم می‌شود که آن ماده را ناقص کند، برای اینکه برای منظور او به کار بیاید. اما یک باغبان در عین اینکه منظور و هدفی دارد و منفعتی دارد، ولی کار او براساس پرورش دادن طبیعت گل یا گیاه است، یعنی طبیعت گل یا گیاه را در نظر می‌گیرد و راه رشد و کمالی را که در طبیعت برای آن معین شده است، می‌شناسد و آن را در همان مسیر طبیعی و به یک معنا فطری خودش پرورش می‌دهد و از آن استفاده می‌کند» (مطهری، بی تا، ص ۵۶).

تربیت از منظر امام خمینی به معنای تزکیه نفس است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۹). آیت الله مصباح یزدی در مورد مفهوم تربیت معتقد است: «مربی فقط زمینه‌های کمکی را فراهم می‌کند و به عبارتی جنبه کاتالیزور دارد. مربی شرایطی فراهم می‌کند تا آن سرعتی که لازم است، در فرد پدید بیاید؛ آن عواملی که خفته است، بیدار بشود؛ انگیزه‌ها تقویت بشود و خود شخص حرکت اختیاری را شروع کند و به کمال اختیاری برسد. این عوامل به مراتب مختلف مؤثر است، از تربیت بدنی شروع می‌شود تا تربیت‌های اخلاقی و عرفانی در سطح خیلی بالا. مربی باید شرایط انتخاب را برای طرف فراهم کند؛ کاری کند که اراده او به سمت و سوی صحیحی سوق داده بشود، اما هیچ وقت نمی‌تواند به جای او تصمیم بگیرد، اراده کند...» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/۹/۲۳).

### ۲-۳. تمدن

معنای لغوی تمدن بدین شرح است: تَمَدَن در لغت به این معناست که به اخلاق مردم شهرنشین خوی گرفت، از جهل و نادانی به شهری‌گری و انسانیت تغییر یافت (بستامی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸؛ معلوف، ۱۴۱۵ق، ص ۷۵۲؛ ابراهیم و همکاران، ۱۹۸۹م، ص ۸۵۹). تمدن اسلامی با بعثت نبی مکرم اسلام (ص) شروع شد و تحولات شگرفی را در جهان ایجاد نمود. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌گوید: «پیدایش و اضمحلال تمدن اسلامی از حوادث بزرگ تاریخ است. اسلام طی پنج قرن، از سال ۸۱ هجری

تا ۵۹۷ هجری، از لحاظ نیرو، نظم، بسط قلمرو، اخلاق نیک، تکامل سطح زندگانی، قوانین منصفانه انسانی، تساهل دینی [احترام به عقاید و افکار دیگران]، ادبیات و تحقیق علمی، علوم، طب و فلسفه، پیشاهنگ جهان بود» (دورانت، ۱۳۶۹، ص ۳۱۷)

«دنیای اسلام در جهان مسیحی نفوذهای گونه‌گون داشت. اروپا از دیار اسلام غذاها و شربت‌ها و دارو و درمان، اسلحه و نشان‌های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دریانوردی را فراگرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کرد ... علمای عرب [مسلمان] ریاضیات، طبیعیات، شیمی، هیأت و طب یونان را حفظ کردند و به کمال رسانیدند و میراث یونان را که بسیار غنی‌تر شده بود، به اروپا انتقال دادند ... فیلسوفان عرب [مسلمان] مؤلفات ارسطو را برای اروپای مسیحی حفظ و ضمناً تحریف کردند. ابن‌سینا و ابن‌رشد از مشرق بر فلاسفه مدرسی اروپا پرتو افکندند و صلاحیتشان چون یونانیان مورد اعتماد بود ... این نفوذ [اسلامی] از راه بازرگانی و جنگ‌های صلیبی و ترجمه هزاران کتاب از عربی به لاتین و مسافرت‌های دانشورانی از قبیل گریبرت، مایکل اسکات و ادلارد بائی به اندلس اسلامی انجام گرفت» (دورانت، ۱۳۶۹، ص ۳۱۹). «تنها به دوران‌های طلایی تاریخ، یک جامعه می‌توانسته است در مدتی کوتاه این همه مردان معروف در زمینه سیاست، تعلیم، ادبیات، لغت، جغرافیا، تاریخ، ریاضیات، هیأت، شیمی، فلسفه و طب و مانند آنها که در چهار قرن اسلام، از هارون الرشید تا ابن رشد بوده‌اند، به وجود آورد. قسمتی از این فعالیت درخشان از میراث یونان مایه گرفت؛ اما قسمت اعظم آن، بخصوص در سیاست، شعر و هنر، ابتکارات گرانبه‌ا بود» (دورانت، ۱۳۶۹، ص ۳۲۲). به اعتقاد علامه جعفری: «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد» (جعفری، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳).

### ۳-۳. بیانیه گام دوم انقلاب

اگر در ابتدای انقلاب از دشمنان انقلاب سوال می‌شد که این انقلاب چقدر عمر می‌کند؟ کسی به ذهنش نمی‌رسید که این انقلاب نوپا بتواند چهار دهه با عزّت و استقلال به حرکت پرشتاب خود ادامه می‌دهد و قله‌های مختلفی را در حال فتح کردن دارد. در چنین نقطه عطفی، مقام معظم رهبری با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌های اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه دادند. بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران، و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای

«دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج) است»، نزدیک خواهد کرد.

#### ۴. مولفه‌های تربیت تمدن‌ساز

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری مولفه‌های تربیتی متعدد و عمیقی را مطرح می‌فرماید، که در ادامه برخی از این مولفه‌های تربیتی تبیین می‌شوند.

##### ۴-۱. همت بلند

یکی از صفات انسان‌های تمدن‌ساز در کلام مقام معظم رهبری، انسانی است که همت بلند داشته باشد. به طور کلی، قیمت و ارزش هر فرد به اندازه اراده او وابسته است. ارج و قرب هر کس براساس همت اوست، می‌تواند عالی باشد، یا دانی (اختری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱). انسان با همت خود به اوج می‌رسد، همان‌طور که پرنده با بال‌هایش آسمان‌ها را درهم می‌نورد. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلٰی قَدْرِ هِمَّتِهِ»، «مقام و مرتبه مرد به اندازه همت او است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۲۲۲). بنابراین، کسی که دون همت است، ارزش او نیز بالا نیست. ولی انسان‌های با همت بالا، قیمت انسانی بالایی نیز دارند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مشکل اقتصاد کشور نداشتن راهکار یا ندانستن راهکار نیست؛ راهکارها را کارشناسان می‌دانند... آنچه ما نیاز داریم، یک همت و شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری است؛ این را ما لازم داریم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۹/۴).

ایشان نمونه یک شخص با همت بلند از معاصرین را امام خمینی معرفی می‌کنند: «شخصیت امام تا حد بسیار زیادی به اهمیت و عظمت آرمان‌های او مربوط می‌شد. او با همت بلندی که داشت، هدف‌های بسیار عظیمی را انتخاب می‌کرد. تصور این هدف‌ها، برای آدم‌های معمولی دشوار بود و می‌پنداشتند آن هدف‌های والا، دست نیافتنی هستند، لیکن همت بلند و ایمان و توکل و خستگی‌ناپذیری و استعداد‌های فراوان و توانایی‌های اعجاب‌انگیزی که در وجود این مرد بزرگ نهفته بود، به کار می‌افتاد و در سمت هدف‌های مورد نظرش پیش می‌رفت و ناگهان همه می‌دیدند که آن هدف‌ها محقق شده‌اند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۳/۱۶).

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «الْشَّرَفُ بِالْهَمِّ الْعَالِيَةِ، لَا بِالزَّمَنِ الْبَالِيَةِ»، «شرف انسان به همت عالی اوست، نه به استخوان‌های پوسیده اجداد و نیاکانش!». نسب انسان چیزی نیست که به آن بخواهد فخرفروشی کند، بلکه شرافت هر فردی به همت عالی او بستگی دارد. حضرت در کلام دیگری

می‌فرماید: «مَا زَعَمَ امْرَأٌ كِهَمَّتِهِ، وَلَا وَضَعَهُ كَشَهْوَتِهِ»، «هیچ چیزی بسان همت، انسان را بلندمرتبه نمی‌کند، و چیزی همانند شهوت وی را بدبخت و پست نمی‌سازد» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۱۱).

اختری معتقد است: «داشتن اراده‌ای قوی و تزلزل‌ناپذیر، مختص اقویاست. موفقیت و شکست ما وابسته به این است که دارای اراده قوی یا ضعیف باشیم. هرچه موانع و مشکلات ما برای انجام کاری بیشتر باشد، اراده قوی‌تر و همت والاتر و نیز انرژی بیشتری لازم خواهد بود». «داشتن اراده قوی، اولین قدم برای تحصیل موفقیت است؛ زیرا انسان با اراده قوی همواره با مشکلات مبارزه کرده و تسلیم نمی‌شود. برای فرد با اراده، هیچ امری غیرممکن نیست، کسی که دارای عزم راسخ است، می‌تواند جهان را مطابق میل خود عوض کند» (اختری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲).

خواجه حافظ شیرازی در مورد همت بلند می‌فرماید:

«همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود \*\*\* که ز بند غم ایام نجاتم دادند»

مقام معظم رهبری معتقد است، هر حرکت بزرگ که در عالم ایجاد می‌شود، حاصل همت بلند است؛ زیرا در جمله اول بیانیه گام دوم انقلاب به این کلیدواژه اشاره می‌کند: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷). ایشان در اثنای کلام دوباره تاکید می‌فرمایند که، باید با همت بلند راه مانده تا قله را طی کرد و بدون همت، راهیابی به قله میسر نیست: «اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷). همچنین ایشان این مولفه تربیتی را تنها راه موثر در پیشرفت می‌دانند که پیشرفت هم منجر به تمدن اسلامی می‌شود: «همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷).

## ۲-۴. آرمان‌خواهی و پایبندی به آرمان‌ها

مقام معظم رهبری در بند اول بیانیه گام دوم می‌فرماید: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله

خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷).

به وضوح می‌توان دریافت که وجه تمایز تربیت یک جامعه تمدن‌ساز با سایر جوامع این است که جامعه تمدن‌ساز، به آرمان‌های خود خیانت نمی‌کند؛ بدین معنا که از آرمان‌های خود عقب‌نشینی نکرده و به فراموشی نمی‌سپارد. سوالی که ایجاد می‌شود این است که مگر امکان دارد، ملتی به آرمان‌های خود خیانت کند و دست به فراموشی بسپارد؟ باید گفت که بله، امکان دارد و اتفاق افتاده است. مانند انقلاب ۱۷۸۹ کشور فرانسه که در اوائل، اصرار به شعار آزادی و برابر بودن داشتند، لکن خیلی مبهم بود و با اختلاف بین رهبران انقلابی، به مشروطه سلطنتی و بعد بورژوازی دانتون و سپس به جمهوری مساوات روبسپیر به انجام رسید و بعد از آن شکست حکومت هیئت مدیره، ریاست ناپلئون آغاز شد.

تاریخ سیاسی عصر جدید شاهد بر این موضوع است که پس از مدتی، انقلاب‌ها وارد دوره‌ای از فترت و رکود می‌شوند. پس از گذشت سال‌های نه چندان زیاد، از آرمان‌ها و شعارهای اولیه انقلاب دیگر خبری نیست و میراث انقلاب نیز به تدریج فراموش می‌شود. اما اگر به تحلیل محتوای بیانیه‌های گام دوم و شعارها و آرمان‌های ابتدایی انقلاب که در بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و راهپیمایی‌های زمان انقلاب متجلی است، پردازیم، متوجه می‌شویم که گام دوم همچنان با طراوت و نشاط است. الفاظ و کلمات آن به پرشوری بیانیه‌های کوران انقلاب است. رهبری نیز علت این مسئله را در گام دوم بدین صورت بیان می‌کند: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنی است. آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷).

در این میان، نکته مهم این است که تمایز اساسی بین پابندی به شعارها و شعارزدگی وجود دارد. شعارزدگی زمانی رخ می‌دهد که بدون توجه به واقعیت‌های موجود و بدون ارزیابی از میزان و امکان تحقق شعارها، بر آن‌ها تاکید شود. اما در گام دوم، به غایت به این مسئله توجه شده است و از دچار به شعارزدگی جلوگیری می‌شود. در هر دو حوزه شعارها، اهداف و دستاوردها، واقع‌بینی خاصی در بافت متن مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، نوعی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که شاخصه کلیدی تفکر رهبر معظم انقلاب است، بر متن سایه افکنده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «بی‌شک فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد. اما این فاصله طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده و بی‌شک در آینده با حضور نسل جوان مؤمن، دانا و پرانگیزه، با قوت بیشتر طی خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷). بنابراین، به وضوح می‌توان دریافت که این انقلاب آرمان‌هایی دارد که جز با پابندی به این آرمان‌ها نمی‌توان به مراحل بعدی انقلاب که در نهایت به

تمدن انقلابی و اسلامی ختم می‌شود، رسید. آرمان‌گرایی به هیچ عنوان به معنای تخیل نیست، بلکه در تربیت تمدن‌ساز، آرمان‌گرایی‌ای مدنظر و مطلوب است که در عین حال واقع‌گرایانه باشد.

امیرالمومنین (ع) در راستای پایبندی به آرمان‌های اسلام در خطبه ۱۹۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَاللّٰهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَىٰ مِنِّي، وَلَكِنَّهُ يُغْدِرُ وَيَفْجُرُ، وَلَوْلَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَذْهَىٰ النَّاسِ، وَلَكِنْ كُلُّ غَدْرَةٍ فُجْرَةٌ وَكُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ، وَلِكُلِّ غَادِرٍ لَّوَاءٌ يُعْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ. وَاللّٰهُ مَا اسْتَغْفَلُ بِالْمَكِيدَةِ، وَلَا اسْتَعْمَزُ بِالشَّدِيدَةِ»، «سوگند به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما معاویه حيله‌گر و جنایتکار است، اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است، روز رستاخیز در دست هر حيله‌گری پرچمی است که با آن شناخته می‌شود. به خدا سوگند! من با فریبکاری غافل‌گیر نمی‌شوم، و با سخت‌گیری ناتوان نخواهم شد» (مجلسی، بی‌تا، ص ۲۹۱). دلالت این کلام به این است که یکی از آرمان‌های اسلام، اخلاق‌مداری و صداقت است و نباید هیچ‌گاه از آرمان‌ها دست برداشت، بلکه باید همت بلند داشته باشیم، تا به زبونی و خواری نرسیم.

#### ۳-۴. بصیرت

یکی دیگر از مولفه‌های تربیتی تمدن‌ساز در منظومه فکری مقام معظم رهبری، مقوله بصیرت است. بصیرت مولفه‌های گوناگونی دارد که به برخی از آنها در ذیل بیانات مقام معظم رهبری اشاره می‌شود. بصیرت با نگاه ظاهری فرق دارد. بصیرت، نیروی باطنی و درونی بوده که با انوار الهی ایجاد شده است، بدین وسیله صحیح را از سقیم و درست را از نادرست تشخیص می‌دهد. ابن ابی الحدید معتقد است: «اهل بصیرت با امداد نیروی قدسی که به آنها عطا شده، می‌شنوند؛ می‌اندیشند؛ نگاه می‌کنند؛ می‌بینند و از عبرت‌ها بهره می‌گیرند و آنگاه راه‌های روشنی را می‌پیمایند و بدین ترتیب، از افتادن در پرتگاه‌ها و لغزش‌گاه‌ها در امان می‌مانند» (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ص ۱۵۸). شخص بصیر با نور درونی خود در میان مردم زندگی می‌کند. چنانکه قرآن کریم فرموده است: «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»، «انسان با بصیرت راه را از چاه و حقیقت را از غیرحقیقی تشخیص می‌دهد» (انعام، ۱۲۲). امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «آنکه بصیرت و بینش نداشته باشد، رأی او، نادرست و بی‌ارزش است» (آمدی، ۱۴۱۰ق).

واژه بصیرت چندین بار در قرآن کریم تکرار شده که مفسرین چند استفاده معنوی برای آن بیان نموده‌اند: اطمئنان: «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ»؛ پیامبر بیان می‌کند که اطمئنان، بصیرت و شناختی که درست و نادرست را تفاوت می‌گذارد، انگیزه و وسیله دعوت مردم به خداوند باشد.

شاهد: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامت، ۱۴)؛ مفسرین دو احتمال مطرح نموده‌اند: خود انسان

شاهد برای خودش است، پس تاء، تاء مبالغه است.

آیه مذکور از جهت معنی با آیه بیست و چهارم سوره مبارکه نور شباهت پیدا می‌کند: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ در این صورت شاهدان، مانند اعضا و جوارحش بر او ناظر هستند (ایجی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۲۹).

دلیل واضح: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (انعام، ۱۰۴)؛ اکثر مفسرین، بصیرت را به معنای حجت‌ها دانسته‌اند که سبب معرفت نسبت به تفکیک هدایت از گمراهی و ایمان از کفر (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳؛ ایجی ۱۴۲۴ق، ص ۳۹۶) یا منجر به آگاهی می‌شود؛ به طوری که انگار معلوم به چشم دیده می‌شود (رازی، ۱۳۷۱، ص ۴۰۴). بعض دیگر بصیرت را به معنای آنچه پیامبر آورده، یعنی وحی، تفسیر نموده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ص ۵۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۸).

در آیه ۱۰۴ سوره انعام آمده است: کسی که به این نشانه‌ها اقرار کند، به سود زیادی رسیده است: «فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا...». بنابراین، به آیات، نشانه‌ها و ادله واضح خداوند، بصائر گویند؛ زیرا باعث ازدیاد بینایی قلب می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۵۸). بر این اساس، کوری و بینایی در این آیه ناظر به شناخت قلبی و چشم بصیرت است (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۴).

با مراجعه به روایات مشاهده می‌شود که ملاک تعریف و تمجیدها با عرف جوامع امروزی و فهم غالب مردم تفاوت دارد. وقتی به حضرت ابوالفضل العباس (ع) در واقعه کربلا می‌رسیم، آن چیزی که برای مردم و مومنین تداعی می‌شود، شجاعت، غیرت و وفای حضرتشان است که حقیقتاً این صفات را در درجه عالی دارند؛ لکن امام صادق (ع) در مقام تمجید و رحمت فرستادن از عمومی بزرگوارشان محور تمجید را بصیرت قرار می‌دهند: امام صادق (ع): «كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِلَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أُولَى بَلَاءَ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا»، «عموی ما عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود؛ همراه با امام حسین (ع) جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید» (ابن عنبه، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵۶).

لازمه یک انسان تمدن‌ساز این است که با بصیرت عجین باشد، تا بتواند در لحظه حساس تصمیمات صحیح اتخاذ کند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ملاک انقلابی بودن، تقوا، شجاعت، بصیرت، و صراحت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶). «در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). «اگر ما بصیرت نداشته باشیم، اگر ما بینش درست، چشم باز، هوشیاری لازم نداشته باشیم، نه درست منافع حقیقی‌مان را تشخیص می‌دهیم، نه

درست راه رسیدن به این منافع را تشخیص می‌دهیم، نه درست آدمی را که باید این بار بزرگ را بر دوش بگیرد، می‌شناسیم. وقتی بصیرت نبود، مثل انسانی است که چشم ندارد، راه را نمی‌بیند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۸/۸).

وجود سه نوع بصیرت برای انسان ضروری است؛ بصیرت دینی و اعتقادی، اخلاقی و سیاسی سه بصیرتی هستند که انسان باید در تلاش باشد تا آن‌ها را کسب، و در مواقع و مقاطع حساس، با بصیرت عمل کند. اگر مردم در مسائل سیاسی بصیرت داشتند، سقیفه به‌وجود نمی‌آمد، عدم بصیرت سبب شد که عمروعاص به‌سادگی در صفین بر سر مردم کلاه بگذارد و همچنین در مقطع دیگر سی هزار نفر را مقابل امام حسین (ع) قرار داد و عاشورا را رقم زد. مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «جوان بایستی در نگاه دینی و نگاه سیاسی، عمق داشته باشد، تا به هر شبهه کوچکی پایش نلغزد، یا در زمینه‌های مسائل سیاسی اشتباه نکند. خیلی‌ها در این حوادثی که در همین فتنه سال ۸۸ اتفاق افتاد، لغزیدند؛ آدم‌های بدی نبودند، [اما] به‌خاطر کم بودن بصیرت لغزیدند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۸/۲۰). در زیارت امام حسین (ع) آمده است: «أَشْهَدُ أَنْكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنْكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ - مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَ مُتَّبِعًا لِلنَّسِيِّينَ».

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، بصیرت را عامل امنیت، آرامش و نظم نظام معرفی می‌کند: «اولین اثر آگاهی و بصیرت مردم این است که امنیت جامعه و نظام سیاسی حفظ شده و آرامش و نظم حکم‌فرما خواهد شد...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷). اگر مردم بصیرت داشته باشند، می‌توانند صلاح و فساد خود را تشخیص دهند؛ بدین معنا که راه را از چاه تشخیص داده و به سعادت دنیوی و اخروی برسند. نکته دیگر در این عبارت این است که باید با چشمانی باز به دشمنان نگریست و تک‌بُعدی به حرکات دشمن نگاه نکرد. در این مورد در روایتی از امیرالمومنین (ع) آمده است که: «إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَاضِحًا»، «انسان با بصیرت کسی است که بشنود و خوب بیندیشد و بنگرد و ببیند و از تجارب دنیا بهره‌گیرد، سپس در راه روشن حرکت کند» (شریف رضی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۷۳).

مقام معظم رهبری در فراز دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاری؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش

نمی‌توان شنید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷). چند نکته در این بیان ایشان نهفته است: اول، گام‌های ما باید استوار باشد و با سستی فرصت‌ها را از دست ندهیم که در کلام امیرالمومنین (ع) هست که «إضاعة الفرصة غصة»، «ضایع کردن فرصت، غصه به ارمغان می‌آورد».

دوم، انسان باید نسبت به گذشته علم داشته باشد. بارها ایشان به طلاب علوم دینی توصیه نموده‌اند که تاریخ مشروطه را بخوانید و در ذهن داشته باشید: «نسل امروز باید از تاریخ کشورش اطلاع داشته باشد؛ بخصوص از زمان مشروطیت به این طرف را بدانند ... باید بدانید که کشور شما در چه موقعیتی قرار داشته و دارد. شما باید بخصوص تاریخ رژیم گذشته را بدانید. نسل امروز ما درست نمی‌داند که انقلاب اسلامی چگونه این کشور را از چنگال آن رژیم خلاص کرده است ... شما باید تاریخ کودتای رضاخان در اسفند ۱۲۹۹، بعد رسیدنش به سلطنت در ۱۳۰۳، بعد جانشین شدن محمدرضا را بدانید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).

سوم، تاریخ را با نگاه عبرت بخوانیم، بدانیم و مرور کنیم. در حدیثی امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار»، «چه بسیارند عبرت‌ها، ولی عبرت گرفتن کم است». انسان بصیر به دیده عبرت به گذشته می‌نگرد.

چهارم، این راهبرد را فراموش نمود، یعنی گام‌های استوار و عبرت از گذشته؛ ولی اگر گذشته را فراموش کنیم که مستکبرین چه بلایی بر سر ما آوردند، راست و دروغ را تشخیص نمی‌دهیم و دروغ، جای راست را می‌گیرد و گمراه می‌شویم و آینده خطرناکی در انتظار ما خواهد بود.

یکی از بهترین حربه‌های دشمن تحریف گذشته یا حال است، واقع را آنچنان منقلب نشان می‌دهند که گاهی انسان‌هایی که در آن واقعه حاضر بودند نیز به دیده خودشان شک می‌کنند. یکی از مباحث مورد تاکید مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلف این است که دشمنان وقتی در جنگ سخت به جایی نرسیدند، به دنبال این هستند که با تغییر دستگاه محاسباتی ملت ایران به اهداف خود برسند. به طور مثال، در گذشته یکی از ملاک و معیارهای ارزش، میزان رشادت، از خودگذشتگی و متواضع بودن انسان‌ها بود؛ لکن امروزه دستگاه محاسباتی انسان‌ها تغییر پیدا کرده و چه‌بسا انسان متواضع را یک انسان دون‌پایه بدانند. معلمی که متکبرانه در کلاس برخورد کند و به قول آنها، پرستیژ خود را حفظ کند، در میان دانش‌آموزان از اهمیت و ارزش بالاتری برخوردار است. این بصیرت است که برای ما راه‌ها را باز می‌کند و راه را به ما نشان می‌دهد، مانند اینکه در شب تار، یک نورافکن در دست داشته باشیم و به جلو حرکت کنیم. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب مولفه‌های تربیت تمدن‌ساز بیشتری را بیان نموده است، که می‌طلبد در پژوهش‌های آینده مورد بحث قرار گیرد.

## ۵. نتیجه‌گیری

بیانات مقام معظم رهبری نقشه راه برای ملت ایران است و ملتی که به کلام دیدبان الهی خود، یعنی رهبر الهی خود عمل کند، هیچ‌گاه متضرر نمی‌شود و همیشه رو به جلو در حرکت است. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان یک نقشه مدون شده برای آینده مملکت اسلامی ایران تعبیه شده است؛ گرچه تصویری از گذشته نیز به ملت ایران نشان داده است. مقام معظم رهبری با هدف تبیین یک راه که در نهایت به تمدن عظیم اسلامی می‌رسد، این بیانات را مطرح کرده‌اند. بنابراین، با نگاه تمدنی باید این بیانیه را بارها خواند. با دقت در این بیانیه مولفه‌های تربیتی انسان تمدن‌ساز را می‌توان دریافت، لکن سه مورد از موارد کلیدی که مقام معظم رهبری بیان نموده‌اند، عبارتند از: همت بلند، آرمان‌خواهی و پایداری به آرمان‌ها و بصیرت.

انسان تمدن‌ساز می‌خواهد یک حرکت و یک انقلاب عظیم ایجاد کند. بنابراین، نباید انسان کم‌همت باشد، بلکه باید همت بلند داشته باشد، تا بتواند تحول شگرف و حرکت رو به جلو به سمت تمدن عظیم اسلامی ایجاد کند. اگر انسانی به آرمان‌های والای انقلابی خود پایبند نباشد، هرچند همت بالایی داشته باشد، نمی‌تواند در مسیر صحیح حرکت کند و انحراف از مسیر برای او متعین است. بدین صورت که در اول مسیر ممکن است ارزش‌های والای انسانی و اسلامی برای او ارزش باشد، لکن به علت عدم پایداری به آرمان‌ها ممکن است دیگر اینچنین نباشد و اهل باندبازی شود. در اول مسیر عاشق شهادت، لکن بعداً عاشق مادیات شود. انسان تمدن‌ساز اگر بلندهمت و پایبند به آرمان‌ها باشد، لکن بصیرت نداشته باشد، احتمال خیلی بالایی دارد که در مسیری که حرکت می‌کند، فریب دشمن را بخورد، دوست و دشمن را اشتباه بگیرد، دستگاه محاسباتی او تغییر کند و راست و دروغ را قاطی کند. بنابراین، این سه مولفه از کلیدی‌ترین مولفه‌های تربیتی انسان تمدن‌ساز در منظومه فکری مقام معظم رهبری هستند.

## — منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتاب الاسلامی، ج ۱.  
ابراهیم، مصطفی؛ زیات، احمد حسن؛ حامد، عبدالقادر؛ نجار، محمدعلی (۱۹۸۹م)، *المعجم الوسیط*. استانبول: دارالدعوة، ج ۲.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۶۳). *شرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ج ۹.  
ابن عباد، ابوالقاسم اسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الکتب، ج ۱۰.  
ابن عنبه، سید احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب*. قم: مؤسسه انصاریان.  
ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ج ۲.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۴.  
احمدی، سید احمد (۱۳۶۸). *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.

اختری، عباسعلی (۱۳۸۷). *مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام*. تهران: بین الملل.  
ایچی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۲۴ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ج ۱۴.

بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی الفبایی*. تهران: اسلامی.  
جعفری، محمدرضا (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۶.  
خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۱۱/۱۳). *بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*.  
خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۷/۱۴). *بیانات در دیدار با طلاب و اساتید حوزه علمیه قم*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۳/۱۶). *بیانات در دیدار با نخست وزیر و هیئت وزیران*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2077>  
خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۸/۲۰). *بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31386>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۷/۲۸). *بیانات در دیدار با نخبگان علمی جوان*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۳/۷). *بیانات در دیدار با دانشجویان*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39710>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۸/۸). *بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43866>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۱۲/۲۲). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7585>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹/۹/۴). سخنرانی در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46866>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۳/۴). بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33198>

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲. دورانت، ویل (۱۳۶۹). تاریخ تمدن. ترجمه اسماعیل دولتشاهی و علی اصغر بهرام بیگی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱۱.

رازی، ابوالفتح (۱۳۷۱). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج ۷.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیه. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتاب العربی، ج ۲.

سبحانی‌نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن؛ نورآبادی، سولماز (۱۳۹۶). مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. مطالعات ملی، ۱۸ (۷۰).

صادقی‌تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة. تهران: فرهنگ اسلامی، ج ۲۵. غلامی، محمداصادق؛ سعیدی‌شاهرودی، علی (۱۴۰۰). شناسایی و تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های گفتمان انقلابی‌گری از دیدگاه امامین انقلاب. امنیت ملی، ۱۱ (۳۹).

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بی‌جا: بی‌نا، ج ۱۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ج ۴. قاضی سعید قمی، محمد سعید (۱۴۱۵ق). شرح توحید الصدوق. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ج ۲.

مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). بحار الانوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۷۲. محمدی پویا، فرامرز؛ ترکاشوند، سینا (۱۳۹۸). تربیت زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸ (۴۶).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱/۹/۲۳). سخنرانی در همایش تعلیم و تربیت ارزش‌ها. قابل دسترسی در: <https://mesbahyazdi.ir/node/4119/%D9%82%D8%B1%D8%A8-%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D8%9B-%D9%85%D9%86%D8%B4%D8%A3-%D9%87%D9%85%D9%87-%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%B4%E2%80%8C%D9%87%D8%A7>

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا. معلوف، لوئیس (۱۴۱۵ق). المنجد فی اللغة. بیروت: دارالمشرق. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ج ۸.

## مدخل إلى مكونات التربية البانية للحضارة في المنظومة الفكرية لسماحة الإمام القائد

امید جاندومی

المستوى الرابع، الفقه والأصول، حوزة قم، قم، إيران. omga7333@gmail.com

### الملخص

هدف البحث الحالي هو دراسة مكونات التربية البانية للحضارة في المنظومة الفكرية لسماحة الإمام القائد. وقد اعتمد البحث على المنهج الوصفي - التحليلي، وأظهرت النتائج أنه وفقاً لبيانات سماحة الإمام القائد، فإن الإنسان الباني للحضارة يسعى لإحداث حركة وثورة عظيمة، لذا لا ينبغي أن يكون ضعيف العزيمة، بل يجب أن يكون صاحب همة عالية لتحقيق تحول هائل وحركة نحو الحضارة الإسلامية الكبرى. إذا لم يكن الإنسان متمسكاً بمُثله الثورية العليا، فلن يستطيع السير في الطريق الصحيح بالرغم من عزمته القوية، ومن المؤكد أنه سينحرف عن المسار المحدد. فرغم أنه قد يقدر القيم الإنسانية والإسلامية في بداية الطريق، إلا أن عدم التمسك بالمُثل قد يجعله يتخلى عنها وينخرط في التحزبات. قد يبدأ محباً للشهادة، لكنه قد يتحول لاحقاً إلى عاشق للمتعة المادية. كما أن الإنسان الباني للحضارة، إذا كان عظيم الهمة ومخلصاً في التمسك بمُثله، لكنه يفتقر إلى البصيرة، فإنه معرض بشكل كبير للوقوع في خداع الأعداء، وقد يخطئ بين الصديق والعدو، مما يقلب موازينه الحسابية ويمزج بين الصواب والخطأ.

**الكلمات الرئيسية:** الحضارة، التربية، الهمة، البصيرة، الإمام الخامني، بيان الخطوة الثانية للثورة.

## An Introduction to the Components of Civilization-Building Education in the Thought System of Ayatollah Khamenei

Omid Gandomi

Level 4, Jurisprudence and Principles, Qom Seminary, Qom, Iran. omga7333@gmail.com

### Abstract

The aim of this study was to examine the components of civilization-building education in the thought system of Ayatollah Khamenei. The research employed a descriptive-analytical method, and the findings revealed that, according to the statements of Ayatollah Khamenei, a civilization-building individual aims to create a great movement and revolution. Such an individual must not have low ambitions but must aspire to lofty goals to generate significant transformation and progress toward the grand Islamic civilization. If an individual does not adhere to the lofty ideals of their revolutionary principles, even with high aspirations, they may deviate from the correct path. Initially, such a person may value sublime Islamic and human ideals, but without steadfastness in their ideals, they might succumb to factionalism. At the beginning of the path, they may yearn for martyrdom, but later become enamored with materialism. A civilization-building individual, even if they are ambitious and committed to ideals, risks being deceived by the enemy if they lack insight (*basirah*). This lack of insight can lead to misjudging friends and enemies, a distorted sense of judgment, and confusion between truth and falsehood.

**Keywords:** civilization, education, ambition, insight (*basirah*), Ayatollah Khamenei, Second Step Statement of the Revolution.

**Received:** 2023/03/29 ; **Revision:** 2023/05/02 ; **Accepted:** 2023/06/11 ; **Published online:** 2023/06/26

**Publisher:** Teacher-Propagator Training Center of Seminaries  
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

**Article type:** Research Article  
© the authors



<http://tarbiatmotali.ismc.ir/>